ایلیا
کمیکا
مجموعه داستان های
مصور دنباله دار

بسم الله الرحمن الرحیم

مدیر پروژه :
محمد مهدی جلالیان

نویسنده : **امین توکلی**

طراح : **مرتضی محمد**
ندی لطیف

رنگ : **نیوشا امینی**
مرجان حیدری
امین شریف زاده

کاور : **مرتضی محمد**

لترینگ : **حجت حسنی**

مشاور علمی :
دکتر محمد جواد ادبی

سلام

چهار قسمت از داستان ایلیا رو باهم خوندیم و دیدیم که چه اتفاقاتی برای امیرعلی افتاد و وارد چه ماجراهای عجیبی شد. ماجراهایی که شاید به زعم امیرعلی، با نابودی اصلان و قدرت ایلیا تمام شده باشه، اما این تازه اول ماجراست و ایلیا پا به دنیای خطرناکی گذاشته، دنیایی زیرپوست همین دنیای عادی که هیچ کس جز عده‌ای خاص از اون خبر ندارند. دنیایی که همه ما تحت تاثیر اون زندگی می‌کنیم.
همراه ایلیا باشید تا بیشتر با این دنیا و رمز و رازهای اون آشنا بشید.

حق چاپ برای این مجموعه محفوظ بوده و هر گونه نسخه برداری یا ایده برداری از شخصیت ها یا ایده داستان ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

Copyright © 2019 Comica. All rights reserved. All charachters featured in this issue, the distinctive likenesses thereof & related elements are trademarks of Comica. The stories, characters & incidents mentioned in this issue are entirely fictional.

قیمت : ۱۵/۰۰۰ تومان
شمارگان : ۱۵/۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ : اول، ۱۳۹۸
ناشر : ابراهیم

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا
سرشناسه: توکلی، امین، ۱۳۶۷ -
عنوان و نام پدیدآور: ایلیا تولد یک قهرمان(٤)/ نویسنده امین توکلی طراح: مرتضی محمد، ندی لطیف.
مشخصات نشر: تهران: ابراهیم، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۳۲ ص. : مصور(رنگی)؛ ۱۷ ۲٤ سم.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵٤۲۳-۸-۵ ۱۵۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: داستان‌ها، مجله‌ها و فکاهیات تصویری – ایران – قرن ۱۴
موضوع: ۲۰th century -- Comic books, strips, etc. -- Iran
موضوع: داستان‌های تصویری – ایران
موضوع: Graphic novels -- Iran
شناسه افزوده: محمد، مرتضی، ۱۳۵۷-، تصویرگر
شناسه افزوده: لطیف، ندی.
رده بندی کنگره : PN٦٧٩٠
رده بندی دیویی: ۷۴۱/۵۹۵۵[ج]
شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۸۳۳۲۰

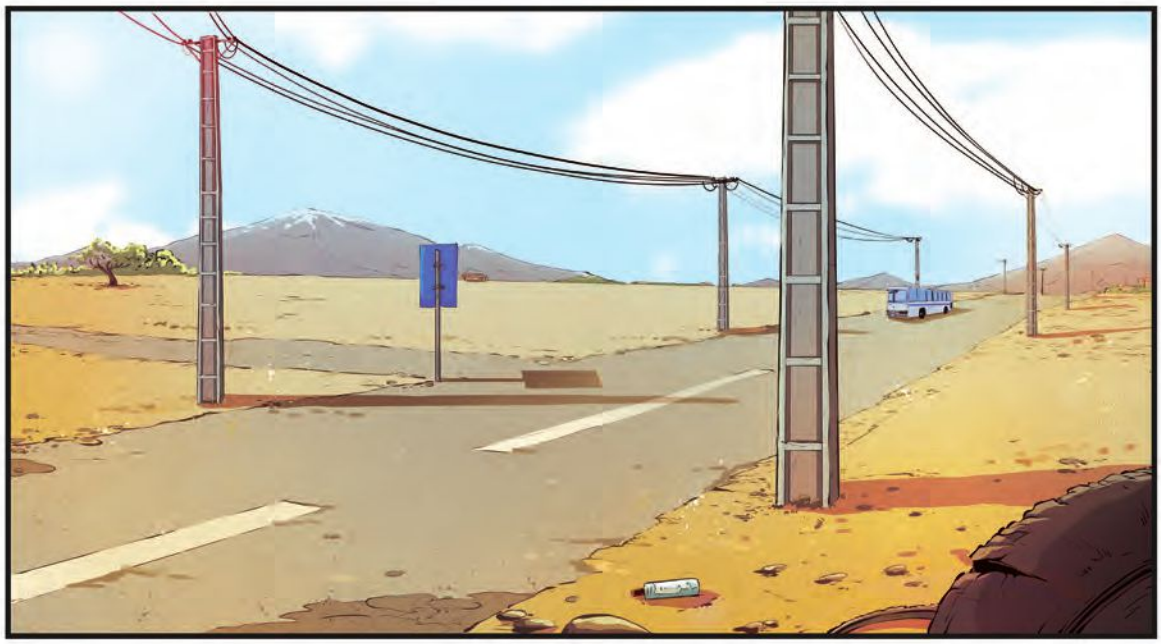

هنوز تا ایستگاه خیلی مونده ها، مطمئنی میخوای اینجا پیاده شی؟
آره همین‌جا کار دارم.

باید بتونم قدرتم رو کنترل کنم. سر اصلان هم خدا رحم کرد که چیزیم نشد.

ایستگاه خودروهای فرسوده

خب، اینجا کسی نیست. میتونم با خیال راحت تمرین کنم.

باید یاد بگیرم هر موقع خودم خواستم ازش استفاده کنم.
بعدش دیگه عین آب خوردن از پس آدمایی مثل اصلان بر میام.
هر طوری شده باید اینکار رو بکنم... باید تمرکز کنم... تمرکز...

وااااای

کار کرد!

یوهووو.. چه حالی میده!
یه بار دیگه ...

ای وای! چرا اینطوری شد؟ الان میخورم زمین و له میشم!
ای ی ی ی...

گوووومپ
چیزی نمونده
بود نابود بشم.
شیپ
شیپ
شیپ